

نکته‌یی در بوستان سعدی

## عذرا - انداختی

رشید عیوضی

حکایت اول باب پنجم «بوستان» سعدی با این آیات آغاز می‌شود:  
مرا در سپاهان یکی یار بود      که جنگ آور و شوخ و عیار بود  
مدامش به خون دست و خنجر خضاب      بر آتش دل خصم ازو چون کباب  
ندیدمش روزی که ترکش نبست      ز پیولاد پیکانش آتش نجست  
دلاور به سر پنجه گاو زور      ز هولش به شیران در افتاده شور  
به دعوی چنان ناوک انداختی      که عذرا به هر یک یک انداختی<sup>۱</sup>

شادروان محمد علی فروغی مصحح بوستان و سایر آثار سعدی مفهوم بیت اخیر را روشن ندانسته با ابراز تردید در صحت ضبط خود می‌نویسد: «این بیت کاملاً مفهوم نیست و هر کس تأویلی می‌کند. ما علی‌الرسم مطابق نسخه‌های قدیمی معتبر ضبط کردیم.»<sup>۲</sup> و نسخه بدلی که وی در حاشیه یاد کرده «که عذرا دو تن بریک انداختی»<sup>۳</sup> است.

علی‌یف در متن «که عذرا به هر دو یک انداختی» آورده و «که

۱. بوستان سعدی، به تصحیح محمد علی فروغی، تهران ۱۳۱۶، ص ۱۵۴.

۲. همان مأخذ، ص ۲۵۰.

۳. همان مأخذ، ص ۱۵۴.

عذرا به هر يك يك انداختی» را به عنوان نسخه بدل ذکر کرده است.<sup>۱</sup>  
 ضبط سودی شارح معروف بوستان نیز برابر ضبط فروغی در متن است.<sup>۲</sup>  
 ضبط شادروان اسماعیل امیرخیزی نیز مطابق ضبط فروغی است و  
 این توضیح را نیز افزوده است: «این مصراع در نسخ جدید به اختلاف نوشته  
 شده است. در برخی این طور است: عدو را دو تن با يك انداختی، و در  
 بعضی چنین نوشته شده: که عمداً به هر يك يك انداختی، ولی در نسخ  
 قدیمه چنان است که در متن نوشته شده».<sup>۳</sup>

مرحوم محمد خزائلی در متن «عدو را دو تن بر يك انداختی»  
 ضبط کرده و نسخه بدل آن را «چو عذرا به هر يك يك انداختی»  
 داده است.<sup>۴</sup>

شارحان در معنی واژه «عذرا» درین بیت وحدت نظر ندارند.  
 سودی می نویسد: «عذرا، به فتح، ع، و سکون، ذ، در لغت دختر  
 را گویند. اما در اصطلاح منجمان برج قوس را گویند که سومین برج  
 از دوازده برج است. آن برج به شکل دختری است که دو بدن دارد.  
 گویا دو جسم به هم چسبیده. شیخ که می فرماید به هر يك یعنی به هر يك  
 از آن دو جسم متصل يك تیر می انداخت».<sup>۵</sup>

- 
۱. بوستان، تهیه متن انتقادی، تحقیق و توضیح از دستم علی‌یف، از نشریات کتابخانه پهلوی، تهران ۱۳۴۵، ص ۱۶۳.
  ۲. شرح بوستان سعدی، سودی، ترجمه دکتر اکبر بهروز، تبریز ۱۳۵۲، ج ۲، ص ۱۰۵۷.
  ۳. بوستان، با حواشی و تصحیح اسماعیل امیرخیزی، چاپ سوم ۱۳۱۷، ص ۱۶۳.
  ۴. شرح بوستان، دکتر محمد خزائلی، تهران، ص ۲۱۳، ج ۴.
  ۵. شرح بوستان سعدی، ص ۱۰۵۷.

امیرخیزی گوید: «عذرا در اصطلاح منجمین عبارت است از برج سنبله و آن به صورت دختریست دامن فروهسته دست چپ آویخته و دست راست تا محاذی دوش بلند کرده و با آن خوشه‌یی گرفته است»<sup>۱</sup>. مرحوم عبدالعظیم قریب در شرح همان واژه چنین آورده است: «آخرین برد و غلبه در بازی نرد. پنج دست و شش دست متوالی و بی‌رخنه از حریف بردن»<sup>۲</sup>.

محمد خزائلی با این که برای متن به جای «عذرا» نسخه بدل «عدورا» را برگزیده ولی به مناسبت ذکر واژه «عذرا» به‌عنوان نسخه بدل به شرح واژه مورد بحث پرداخته می‌نویسد: «عذرا در اصطلاح نرد قدیم - کسی که یازده نوبت متوالی از حریف می‌برد و سه برابر آنچه حریف گرو می‌گذاشت می‌ستد و هر گاه از حریف دوم هم یازده نوبت می‌برد می‌گفتند و امق برد و دو برابر آنچه داشت می‌ستد»<sup>۳</sup>.

البته معانی مزبور در فرهنگها برای واژه «عذرا» ذکر شده ولی مرحوم علامه محمد قزوینی درباره آن واژه در بیت مزبور نظری دیگر ابراز کرده است. شادروان محمد معین در «برهان قاطع» در حاشیه واژه «عذرا» پس از ذکر دو بیت اول و آخر آیات یادشده در آغاز این نوشته و آوردن اقوال فروغی و قریب - که هر دو بیشتر ذکر شد - می‌نویسد: «مرحوم علامه قزوینی در یکی از نسخ خطی کتابخانه ملی پاریس به جای (عذرا) (عدرا) دیده‌اند و همین را ترجیح داده‌اند یعنی (شماره را) وعد (به فتح اول و تشدید دوم) در فارسی آمده چنانکه در نسخه خطی کتاب

۱. بوستان، با حواشی و تصحیح امیرخیزی، ص ۱۶۳.

۲. برهان قاطع، به تصحیح دکتر محمد معین، ج ۲، ص ۱۳۶۹، ح ۴.

۳. شرح بوستان، خزائلی، ص ۲۱۳، ح ۴.

نگارستان که مؤلف آن معلوم نیست و در عهد صفویه تألیف شده (این کتاب جز نگارستان معین‌الدین جوینی است) و متعلق به مرحوم دکتر غنی و نزد علامه مرحوم به امانت بوده، چنین یافتند: 'از آن خوان گوناگون فزون از عد بنان و حد بیان تمتع گرفتم'. در کلیات سعدی چاپی به خط اردوبادی (سال ۱۲۷۲ قمری) چنین آمده: که صدرا به هر دو يك انداختی و 'صد' نزدیکتر به 'عد' است<sup>۱</sup>.

چنانکه ملاحظه می‌شود هیچ کدام از معانی یاد شده برای واژه «عذرا» در بیت مورد بحث مفهومی ندارد و «عدرا» هم که علامه قزوینی در یکی از نسخ خطی دیده بوده نه صحیح است نه مفید معنی. در قدیم نسخه نویسان توجهی چندان به گذاشتن نقطه‌های واژه‌ها نداشته‌اند و شاید از ده نقطه چهار نقطه را نمی‌نوشته‌اند و قطعاً «عدرا» هم از همین مقوله است منتها چون مفهوم بیت مورد بحث از اشتغالات ذهنی مرحوم علامه بوده و مفهومی قانع کننده هم برای واژه «عذرا» نمی‌یافته‌اند وقتی ملاحظه فرموده‌اند که «عدرا» اندک مفهومی دارد بدون تأمل آن را پذیرفته‌اند. بدان گونه که شارحان در مفهوم واژه «عذرا» در بیت مزبور اختلاف نظر دارند در مفهوم خود بیت نیز همداستان نیستند.

سودی بعد از شرح واژه «عذرا» تحت عنوان «محصول بیت» چنین می‌آورد: «آن پهلوان در دعوا چنان تیر می‌انداخت که جوزا به هر يك از جسمهای او يك تیر می‌انداخت یعنی تیر او به خطا نمی‌رفت»<sup>۲</sup>.

امیر خیزی می‌نویسد: «و مقصود این است که در تیر اندازی چنان

۱. برهان قاطع، ج ۲، ص ۱۳۶۹، ح ۴.

۲. شرح بوستان سعدی، ج ۲، ص ۱۰۵۷.

ماهر بود که به هریک از ستارگان سنبله تیری انداختی و آنها را از هم جدا ساختی<sup>۱</sup>.

علامه قزوینی نیز پس از بحث در باره «عدرا» و پذیرفتن آن به جای «عدرا» چنین می گوید: «خلاصه آن که معنی مصراع دوم این است: برای شماره (اگر بشماری) به هریک تن از دشمنان یک تیر می انداخت<sup>۲</sup>». خزائلی که در متن «عدورا دو تن از یک انداختی» ضبط کرده در مفهوم آن می نویسد: «با یک تیر دو دشمن را از پا می آورد»<sup>۳</sup>.

چنانکه می بینیم منصرف ذهن سودی از واژه عدرا مفهوم نجومی آن بوده و خود آن واژه را نیز از لحاظ نحوی فاعل فعل «انداختی» گرفته است. امیرخیزی نیز تصورش از مفهوم واژه «عدرا» در بیت مورد بحث کاربرد نجومی آن بوده و از عبارت «به هریک از ستارگان سنبله» هم معلوم می شود که «عدرا» را مفعول غیر صریح پنداشته و تصور روشنی از ترکیب نحوی مصراع نداشته است.

علامه قزوینی هم گذشته از آن که با پذیرفتن «عدرا» به جای «عدرا» از ضبط نسخ کهن عدول کرده در بیان مفهوم بقیه مصراع نیز - چنانکه خواهیم دید - تسامح روا داشته است.

مفهومی که خزائلی بیان کرده با توجه به متن انتخابی او بی اشکال است ولی چون ضبط وی مطابق نسخه های کهن نیست خارج ازین بحث می باشد.

※

۱. بوستان، با حواشی امیرخیزی، ص ۱۶۳.
۲. برهان قاطع، ج ۲، ص ۱۳۶۹، ج ۲.
۳. شرح بوستان، خزائلی، ص ۲۱۳، ج ۴.

بعد از بیان این مطالب بینیم مفهوم صحیح این بیت چیست و چرا شارحان در شرح آن راه به جایی نبرده‌اند؟

به نظر من ضبط صحیح مصراع دوم بیت مورد بحث همان است که مرحوم فروغی در متن آورده است و هیچ يك از ضبط‌های دیگر اعم از متن و نسخه بدل به هیچ روی درست نیست.

تردید مرحوم فروغی در صحت ضبط خود و اشتباه دیگران در ضبط و بیان مفهوم بیت از عدم توجه به معانی دو واژه «عذرا» و «انداختی» در مصراع دوم آن بیت پیش آمده است.

یکی دیگر از معانی واژه «عذرا» چنانکه در بعضی از فرهنگها آمده<sup>۱</sup> «آشکارا» ست و بزرگان ادب فارسی بارها آن را به همان معنی آشکارا به کار برده‌اند:

خاقانی گوید:

برفت روز و تو چون طفل خرمی آری

نشاط طفل نماز دگر بود عذرا<sup>۲</sup>

همو باز گوید:

گر شب گذار داد به بزغاله روز را

تا هر چه داشت قاعده عذرا برافکنند

شب را زگوسپند نهد دنبه آفتاب

تا کاهش دقش به مکافا برافکنند<sup>۳</sup>

۱. مثلا: برهان قاطع، غیاث‌اللغات، آندراج و فرهنگ معین.

۲. دیوان خاقانی، به کوشش دکتر ضیاء‌الدین سجادی، ص ۷.

۳. همان مأخذ، ص ۱۳۶.

باز او گوید :

خاصه که خضرم در عرب از آب زمزم شسته لب

من گرد کعبه چند شب شب زنده عدرا داشته<sup>۱</sup>

نظامی گوید :

مجنون رمیده نیز در دشت سرگشته چو بخت خویش می گشت

بی عدرا همی دروید عدرا در موکب وحشیان صحرا<sup>۲</sup>

در فرهنگها - جز فرهنگ رشیدی - شاهی از نظم یا نثر برای

این معنی «عدرا» دیده نمی شود. تنها فرهنگ نویسی که شاهد شعری

ذکر کرده رشیدی است و شاهد او همان بیت مورد بحث از سعدی است<sup>۳</sup> و

من هم بر همان عقیده ام و بی هیچ تردید واژه «عدرا» را در آن بیت سعدی

به معنی «آشکارا» می دانم.

اما واژه دوم که عدم توجه به معانی مختلف آن موجب اشتباه

شارحان شده فعل «انداختنی» است در آن بیت. یکی از معانی «انداختن»

در فرهنگها «افکندن» یاد شده است و چنانکه می دانیم «افکندن»

به معنی «از پا در آوردن» هم هست بدان سان که درین بیت فردوسی

می بینیم :

یفکند گوری چو پیل ژیان جدا کرد ازو چرم پای و میان<sup>۴</sup>

فرهنگ نویسان در بیان معنی «از پا در آوردن» برای مصدر

۱. همان مأخذ، ص ۳۸۳.

۲. لیلی و مجنون، یادگار و ارمغان وحید دستگردی، چاپ افست علمی،

ص ۱۰۳.

۳. فرهنگ رشیدی، به تحقیق و تصحیح محمد عباسی، ج ۲، ص ۹۸۴.

۴. شاهنامه فردوسی، چاپ شوروی، ج ۲، ص ۹۴.

« انداختن » به سبب آن که آن معنی از « افکندن » مستفاد می‌شود تکاهل کرده‌اند، اما در آثار بزرگان ادب فارسی استعمال « انداختن » به معنی « از پا درآوردن » کم نیست .

فردوسی در اوایل داستان سیاوش در بیان به نخچیر رفتن طوس با گيو و چندی سوار گوید :

به نخچیر گوران به دشت دغوی      ابا باز و یوزان نخچیرجوی  
 فراوان گرفتند و انداختند      علوفه چهل روزه را ساختند<sup>۱</sup>  
 خاقانی گوید :

بخت صیاد پیشه‌ییست که صید      نه به زوبین و خنجر اندازد<sup>۲</sup>  
 نظامی در بیان به نخچیر رفتن بهرام گور گوید :

اشقر گور سم به صحرا تاخت      شور می‌کرد و گور می‌انداخت<sup>۳</sup>  
 و در جای دیگر گوید :

بیشتر زان که رفت و صید انداخت      صید بین تا چگونگی صیدش ساخت<sup>۴</sup>  
 عطار گوید :

سر زلفش چو شیر پنجه گشاد      آهوان را به مشک ناب انداخت  
 تیر چشمش که عالمی خون داشت      اشتری را به يك كباب انداخت<sup>۵</sup>

پس با در نظر گرفتن این که در بیت مورد بحث « عذرا » به معنی

۱. همان مأخذ، ج ۳، ص ۷.

۲. دیوان خاقانی، ص ۱۲۶.

۳. هفت پیکر نظامی، یاسدگار و ارمغان وحید دستگردی. چاپ افست

علمی، ص ۱۰۷.

۴. همان مأخذ، ص ۱۱۴.

۵. دیوان غزلیات و قصاید عطار، به اهتمام و تصحیح دکتر تقی تفضلی،

از انتشارات انجمن آثار ملی، تهران ۱۳۴۱، ص ۱۶.



« آشکارا » و « انداختی » در معنی « از پا در آوردی » ست معنی بیت چنین خواهد بود :

« ( یار شوخ و جنگاور سعدی ) به ( هنگام ) دعوا چنان ( با مهارت ) تیر می انداخت که آشکارا به هر یک ( تیر ) یک ( تن از دشمنان را ) از پا درمی آورد » .

شاید این تصور پیش آید که می توان « انداختی » را در مفهوم عادی گرفت و گفت که « به هر یک یک انداختی » یعنی - همچنانکه مرحوم علامه گفته - « به هر یک ( از دشمنان ) یک تیر می انداخت » ، ولی باید توجه داشت که سعدی باب پنجم بوستان به خصوص این حکایت را برای قدرت نمایی در زمینه حماسه سرایی پرداخته است و اگر معنی دوم را بپذیریم مفهوم حماسی از آن مستفاد نخواهد شد زیرا هر کس چه پهلوان و چه غیر پهلوان می تواند به هر یک از دشمنان یک تیر بیندازد ولی نتیجه کار معلوم نیست که آیا تیرهای او کارگر آمده یا نه ، در حالی که اگر معنی نخستین را قبول بکنیم یعنی بگوئیم که « او به هر یک تیر یک تن را از پا درمی آورد » گذشته از آن که نتیجه عمل « یار جنگاور » روشن است ضمناً معلوم هم می شود که « تیر او هرگز به خطا نمی رفته است » و این عبارت خود از عبارات حماسی به شمار می آید .